

حمله امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی به دلایلی از قبیل ایجاد امنیت پایدار برای ایالات متحده انجام شد اما همواره در کنار ثبات امنیتی، کلیدواژه «تغییر فرهنگی» نیز روی زبان‌ها جاری بود؛ تغییر فرهنگی با محوریت حقوق زنان در افغانستان. جرج بوش - رئیس جمهور سابق امریکا - در سال ۲۰۰۱ افزایش کیفیت زندگی زنان و دختران جوان رنج کشیده افغانستان را دلیل پشتیبانی خود از حضور نیروهای امریکایی در این کشور اعلام کرد، موضعی که تا سال ۲۰۲۱ هم تغییری نکرد. او در مصاحبه با دوپچه وله آلمان تأکید کرد که «یکی از مهم‌ترین دلایل جنگ ۲۰ ساله افغانستان نجات زنان این کشور بود.»

اما این نگاه فقط در جرج بوش نبود؛ ترامپ، هیلاری کلینتون، جان کری و حتی جو بایدن نیز با ادبیاتی مشابه از زنان افغانستان برای حضور اجتماعی حمایت کردند؛ اما چه حضوری؟ ژنرال مک مستر، مشاور امنیت ملی ترامپ برای توجیه افزایش نیروها در افغانستان، عکسی قدیمی از زن‌های افغانستان به ترامپ نشان داد. دخترانی که به سبک غربی‌ها لباس پوشیدند. با این توجیه که افغانستانی‌ها از سابق، با ارزش‌های غربی آشنایی داشتند.

این اظهارات تا جایی پیش رفت که گلوریا استاینم<sup>۲</sup> یکی از بزرگترین چهره‌های جنبش فمینیست در امریکا، در سخنانی بی‌سابقه گفت: گروه‌های فمینیست برای اولین

از سمت راست:  
آریانا سعید  
سهیلا صدیق



بار در تاریخ، با حکومت امریکا و متحدین امریکا در کشورهای غربی در موضعی به اشتراک نظر رسیدند و آن هم داشتن دشمن مشترک و حمله به افغانستان است. همین دست صحبت‌ها موجب شد تا رفیعا زکریا در کتاب «علیه فمینیسم سفید»، از جنگ افغانستان به عنوان «اولین جنگ فمینیستی دنیا» نام ببرد، اصطلاحی که به سرعت فراگیر شد.

بر همین اساس از همان ابتدای حضور امریکا در افغانستان، موضوع زن در اولویت‌های ویژه قرار گرفت. کالین پاول جزء اولین مقام‌های امریکایی بود که با «سهیلا صدیق»،